

ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم پذیری

دکتر احمد محمدپور*

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۲۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

با توجه به تسلط تاریخی روش‌شناسی اثباتی-کمی بر بخش عمده‌ای از نظریه و روش در علوم اجتماعی، غالباً چنین تصور شده که روش‌های کیفی فاقد ساختار و رویه‌های منظم بوده و از اصول تعریف‌شده و کلاسیک روش‌های کمی اثباتی تبعیت نمی‌کنند. بر این مبنا، فرض شده است که نتایج و استدلال‌های مبتنی بر آن چندان متقن و قابل اعتماد نبوده و این نوع روش‌شناسی فاقد معیارهای ارزیابی و دقت‌پذیری می‌باشد. این در حالی است که روش‌شناسان و محققان کیفی در خلال چند دهه اخیر راهبردها و معیارهایی را برای ارزیابی

کیفیت داده‌ها و نتایج تحقیقات کیفی ارائه داده‌اند که نسبت به معیارهای تحقیق کمی بسیار متنوع‌تر به نظر می‌رسند. در این راستا، هدف از این مقاله معرفی معیارهای ارزیابی کیفیت و بررسی اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری در تحقیق کیفی است. در این مقاله، سعی شده است راهبردها و معیارهای گوناگون تعیین کیفیت، معتبرسازی و تعمیم‌پذیری در تحقیق کیفی مطرح و برخی از مهم‌ترین آن‌ها مورد بحث قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: تحقیق کیفی، ارزیابی کیفیت، قابلیت اعتماد، زاویه‌بندی،

انتقال‌پذیری، برون‌یابی.

مقدمه

مسئله اعتباریابی و تعمیم یافته‌ها یکی از ابعاد بسیار مهم و چالش‌برانگیز روش‌شناسی کیفی است که کمتر مورد توجه محققان کیفی داخلی و حتی بسیاری از محققان خارجی قرار گرفته است. غالباً از آنجا که روش‌شناسی کیفی بیشتر در سطح تکنیک‌ها و روش‌های کیفی گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، بسیاری از ابعاد این روش‌شناسی جدید و معاصر از جمله فرایند ارزیابی و کیفیت (اعتباریابی و تعمیم) مورد اغماض واقع شده است. در این ارتباط، عمدتاً اینگونه تصور شده که روش‌های کیفی و داده‌های برگرفته از آن در مقایسه با طرح‌های کمی فاقد معیارهای ارزیابی، اعتباریابی و تعمیم بوده و دارای تنگناها و محدودیت‌های نظری و روشی فراوان هستند. دلایل متعددی برای وجود چنین تصوراتی وجود دارد؛ دلیل نخست اینکه، هنوز مباحث چندانی در زمینه روش تحقیق کیفی بر اساس مبانی پارادایمی و فلسفی آن صورت نگرفته و بیشتر بر جنبه‌های تکنیکی و روشی آن تأکید شده است. دلیل دوم، تسلط روش‌شناسی کمی بر بخش عمده‌ای از علوم اجتماعی در جامعه آکادمیک کشور است که سایر روش‌شناسی‌ها را با تأکید بر منطق قیاسی- فرضیه‌ای و اصول استدلال ریاضی به زیر سؤال برده و این تصور را ایجاد نموده است که طرح کمی معتبرترین طرح موجود است. دلیل سوم، کم

توجهی علوم اجتماعی و رفتاری کشور به تشریح، توسعه و استفاده از این روش‌شناسی و ابعاد متفاوت آن است. بر این اساس هنوز به استثنای طرح عمومی کیفی و فنون گردآوری داده‌های آن، شناخت بسیار ناچیزی از سایر ابعاد آن وجود دارد. از اینرو، اکثر محققان ممکن است ناخواسته تصور کنند که طرح‌های کیفی فاقد اصول و معیارهای ارزیابی کیفیت و تعمیم هستند، در نتیجه گزارشات کیفی به شکل طرح‌واره‌های داستان‌گونه و در بسیاری موارد غیرقابل دفاع باقی می‌مانند. دلیل چهارم، عدم آشنایی و نگرانی بسیاری از محققان در به‌کارگیری معیارهای ارزیابی کیفیت در گزارشات کیفی خود است. البته در این زمینه همان‌طور که در فرایند مقاله روشن خواهد شد این معیارها (در مقایسه با معیارهای کمی) بسیار متنوع، دقیق و خشن به لحاظ علمی بوده که با در نظر گرفتن حتی تعداد معدودی از آن‌ها، قضاوت در مورد کیفیت کار کیفی دشوار بوده و بسیاری از کارهای پژوهشی انجام شده کیفی، کیفی قلمداد نمی‌شوند.

از اینرو، به دلیل تسلط رویکردهای اثباتی-کمی بر علوم اجتماعی کشور، توجه چندانی به مسایل اعتباریابی و تعمیم در تحقیق‌های ترکیبی نشده است. علاقه به این بحث‌ها در علوم اجتماعی و رفتاری نیز چندان سابقه نداشته و عمدتاً به سه دهه پیش بر می‌گردد. این کم‌توجهی در فضای تحقیقاتی کشور باعث شده است که محققان چندان با شیوه‌های ارزیابی نتایج و تعمیم‌های تحقیق کیفی آشنا نبوده و آن را تحقیقی فاقد معیارهای اعتباریابی و گاه ذاتاً ضعیف و بدون قاعده تصور کنند. نگاه اجمالی به بیشتر تحقیق‌های کیفی صورت گرفته نیز نشان می‌دهد که علاقه چندانی-در مقایسه با سنجش اعتبار و روایی در تحقیق‌های کمی- به چگونگی ارزیابی داده‌ها و گزارش‌های کیفی وجود نداشته است. بر این اساس، مقاله حاضر با در نظر گرفتن این کاستی‌ها و نیاز به رفع آن‌ها در صدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

الف - با توجه به بنیان‌های پارادایمی تحقیق کیفی، مفاهیم اعتبار و روایی و تعمیم

در این نوع تحقیق چه جایگاهی دارند؟

ب - آیا می‌توان در تحقیق کیفی نیز از معیارهایی مشابه با اعتبار، روایی و تعمیم‌پذیری (کمی) سخن گفت؟

ج - چه معیارهایی برای ارزیابی کیفیت و تعمیم در تحقیقات کیفی پیشنهاد شده‌اند؟

د - عوامل تهدیدکننده یا کاهش‌دهنده میزان کیفیت و تعمیم در تحقیقات کیفی چه مواردی هستند؟

ارزیابی کیفیت در تحقیقات کیفی

تحقیق کیفی اصول و مبانی پارادایمیک متفاوت‌تری از تحقیق کمی دارد (جدول ۱) و در نتیجه شیوه‌های ارزیابی و تعمیم نتایج آن نیز متفاوت می‌باشد. در برخی موارد حتی از واژگان اعتبار و روایی که در تحقیق کمی مرسوم می‌باشد، نیز استفاده نمی‌شود. حتی ارزیابی تحقیق کیفی در برخی ابعاد به‌ویژه در بعد تکرارپذیری آن، از نقطه‌نظر هستی‌شناختی مورد سؤال است. برای مثال، از نظر مکتب "برساخت‌گرایی"^۱ هیچ واقعیت واحدی در وهله اول وجود ندارد تا بتواند تسخیر شود و بر این مبنا رسیدن به معیار تکرارپذیری هدفی ساختگی است (Guba & Lincoln, ۱۹۸۹; Marshall & Rossman, ۲۰۰۶; Glense, ۱۹۹۹). بعلاوه، این نگرانی وجود دارد که مفهوم "تکرار"^۲ در تحقیق کیفی نوعی ساده لوحی است که در آن پیچیدگی پدیده تحت مطالعه نادیده گرفته شده و تأثیرات بستر در نظر گرفته نمی‌شود. در همین زمینه، کسانی که باور دارند تحقیق کیفی پویا بوده و می‌تواند تنها بطور مؤثر به شیوه واکنشی اجراء شود، استدلال می‌کنند که

۱. Constructivism

۲. Replicability

مطالعات کیفی "نمی‌توانند و نباید" تکرار شوند (Gabrium & Holestein, ۱۹۹۷; Wolcott, ۲۰۰۵).

جدول ۱- مقایسه ابعاد پارادایمی دو پارادایم اثبات‌گرایی و تفسیر‌گرایی

ابعاد پارادایمیک	اثبات‌گرایی	تفسیر‌گرایی / برساخت‌گرایی / طبیعت‌گرایی
هستی‌شناسی: (ماهیت واقعیت، هستی و حقیقت)	رنالیسم سطحی: واقعیت به مثابه امری "واقعی" و معرفت‌پذیر؛ تلقی شیء‌گونه، واحد، قابل لمس و تجزیه‌پذیر از واقعیت	برساخت‌گرایی: جهان معرفت‌پذیر جهان معانی منسوب شده از سوی انسان‌هاست. نسبی‌گرایی (واقع‌گرایی چندگانه): این واقعیات از نظر شکل و محتوا بین افراد، گروه‌ها، و فرهنگ‌ها برساخت شده است
معرفت‌شناسی: (رابطه شناسا و شناخته؛ معرفت و توجیه آن)	ثنویت‌گرایی - عینیت، نتایج حقیقی، تقابل شناسا و شناخته، جستجوی قوانین عام، تبیین - محوری، تعمیم قوانین غیرقابل تغییر "طبیعی"	غیر-تقابل‌گرا، غیر-عینیت، تعامل و جدای‌ناپذیری شناسا و شناخته، جستجوی معنا، تفهم، تعمیم قوانین موقعیتی و ایدئوگرافیک، انواع ایده‌ال
روش‌شناسی	آزمایشی - دستکاری و مشاهده، جدایی مشاهده‌گر - مشاهده‌شونده، عمدتاً استقرایی، فنون کمی، تحلیل با "متغیرها"	تفسیر، تعامل مشاهده‌گر-مشاهده‌شونده، عمدتاً استفهامی، فنون کیفی، تحلیل با "موارد"
ارزش‌شناسی	فراغت ارزشی	مقید به ارزش‌ها
امکان پیوندهای علی	علل واقعی و مقدم بر معلول‌ها	رابطه متقابل بین پدیده‌ها؛ تداخل علل و معلول
امکان تعمیم	تعمیم‌ها فارغ از زمان و مکان ممکن هستند (عبارات نوموتیک)	صرفاً فرض‌های مؤثر مقید به زمان و بستر ممکن هستند؛ (عبارات ایدئوگرافیک)

از اینرو، در تحقیق کیفی تلاش می‌شود، به دلیل دلالت‌های غیراثبات‌گرایانه آن، از مفاهیم اعتبار و روایی دوری شود و از مفاهیم دیگری که ویژگی‌های تحقیق کیفی را به شیوه‌ای دیگر مطرح کرده و ارزیابی می‌کنند، استفاده شود. در واقع، از دهه ۱۹۸۰ هم کاربرد واژه‌ای اعتبار و روایی کمی و هم مبانی منطقی آن‌ها در روش‌شناسی کیفی رد شدند و محققان کیفی در صدد یافتن شیوه‌های دیگری برآمدند تا با کمک آنها به "تأمین دقت" دست یابند. با این وجود، هنوز از این واژگان البته به شکلی متفاوت‌تر از تعاریف کمی آن استفاده بعمل می‌آید.

جدول ۲- مهمترین معیارهای ارائه شده برای ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی

روش‌شناسان صاحب‌نظر	معیارهای مورد استفاده ارزیابی تحقیق کیفی
لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)	معیار اعتمادپذیری/ قابلیت اعتماد؛ شامل معیارهای باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری
دنزین (۱۹۸۹)	معیار زاویه‌بندی؛ شامل زاویه‌بندی روش‌شناختی، زاویه‌بندی داده‌ای، زاویه‌بندی تحلیلی یا پژوهشگر، زاویه‌بندی نظریه/ رویکرد
کیمچی و همکاران (۱۹۹۱)	زاویه‌بندی چندگانه ^۲ ، زاویه‌بندی تحلیلی، شرط کفایت
بلشر (۱۹۹۱)	درگیری طولانی‌مدت، مشاهده دیرپا و مصرانه، زاویه‌بندی، بکارگیری روش‌های دقیق انجام کار میدانی، باورپذیری محقق، باورداشت فلسفی در زمینه‌ی ارزش تحقیق کیفی
میلز و هابرم (۱۹۹۴)	کنترل بازنمایی، کنترل تاثیرات محقق، زاویه‌بندی، وزن‌بخشی به شواهد، تقابل‌سازی و تطبیق، استفاده از موارد افراطی، خط زدن روابط ساختگی، تکرارشدن یک یافته، کنترل تبیین‌های رقیب، جستجوی شواهد منفی، بازخورد مطلعین

۱. Ensuring Rigor

۲. Multiple Triangulation

لاتهر (۱۹۹۳)	اعتبار پارالوژیک، اعتبار کنایه‌ای، اعتبار ریزوماتیک، اعتبار تجسم‌یافته، اعتبار جهش، اعتبار زودرس، اعتبار آزمندانه
ملوی (۱۹۹۴)	درستی، انسجام، دقت، فایده، سرزندگی، زیبایی‌شناسی
ماکسول (۱۹۹۷ و ۲۰۰۴)	اعتبار توصیفی، اعتبار تفسیری، اعتبار نظری، اعتبار درونی کیفی
سیل (۱۹۹۹)	آگاهی روش‌شناختی
گوبا و لینکلن (۱۹۸۹)	معیار صحت ^۱ ؛ شامل صحت هستی‌شناختی، صحت آموزشی، صحت عملی، صحت تاکتیکی
پاتون (۲۰۰۱)	عینیت محقق، تغییر انتقادی، رویکرد انتقادی، عملی بودن، رعایت اصول، صحت (تعادل)، بررسی منظم، شایستگی ارزیاب، ترکیب / صداقت، احترام به افراد (انصاف)، و مسئولیت‌پذیری در رفاه همگانی عمومی (در نظر گرفتن تنوع علایق و ارزش‌ها)، معرفت‌یابی به ذهنیت
توربین و بیگلی (۲۰۰۴)، به پیروی از آرمینیو و هالتگرن (۲۰۰۲)	بنیان فلسفی (معرفت‌شناسی و نظریه)، رهیافت (روش‌شناسی)، گردآوری داده‌ها (تکنیک)، بازنمایی صدا (محقق و مشارکت‌کننده به‌عنوان سوژه‌های چندفرهنگی)، هنر معنابخشی (تفسیر و ارائه)، اشاره به روش‌های حرفه‌ای (توصیه‌ها و مشارکت)
نیومن (۲۰۰۶) و (۲۰۰۷)	همسازی درونی، همسازی بیرونی، اعتبار اکولوژیکی، تاریخ طبیعی، اعتبار عضو، اجرای بومی - شایسته
تدلی و تشکری (۱۹۹۸ و ۲۰۰۹)	باورپذیری تبیین ^۲ ، صحت ترجمه ^۳ ، نتایج نشان داده‌شده، نتایج قابل‌باور، تبیین‌های رقیب حذف‌شده، همسازی استنباطی ^۴
کوال و برینکمن	اعتبار ارتباطی، اعتبار پراگماتیک، اعتبار پژوهش، اعتبار کنش

۱. Authenticity

۲. Explanation Credibility

۳. Translation Fidelity

۴. Inferential Consistency

(۲۰۰۹)

بدین ترتیب، محققان کیفی در برابر رهیافت کمیِ روایی، مقاومت می‌کنند، چرا که معتقدند آن ابزاری سرد، مکانیکی، صوری و ثابت است که محقق مکرراً آن را به مواد بی‌جان و ساکن تزریق کرده و به کار می‌برد. در همین راستا محققان کیفی، منابع داده‌ای متفاوت را بررسی کرده و روش‌های سنجش گوناگونی را جهت ارزیابی روایی و اعتبار به کار می‌گیرند (Creswell, ۲۰۰۳; Neuman, ۲۰۰۷). هامرسلی، روایی کیفی را چنین تعریف می‌کند:

"روایی [کیفی] به میزانی از سازگاری اطلاق می‌شود که از طریق آن، موارد به یک مقوله‌ی مشابه، توسط مشاهده‌گران متفاوت یا یک مشاهده‌گر واحد در مناسبت‌ها و موقعیت‌های متفاوت الصاق می‌شوند" (Hammersley, ۱۹۹۲: ۵۷). از اینرو، در تحقیق کیفی، روایی عبارت است از اطمینان‌پذیری و همسازی؛ جهت دستیابی به این هدف، محققان کیفی طیفی از تکنیک‌ها شامل مصاحبه، مشاهده، تصاویر، اسناد و مدارک و غیره را جهت ثبت مشاهدات خود به‌طور هماهنگ به کار می‌گیرند. در مقایسه با مفهوم روایی، مفهوم اعتبار نیز در تحقیقات کیفی به معنای "حقیقت" بوده و به مثابه پلی بین سازه و داده تعریف می‌شود. هامرسلی، اعتبار کیفی را چنین تعریف کرده است:

"با [مفهوم] اعتبار [کیفی]، من حقیقت را مدنظر دارم، یعنی تفسیر [یک گزارش] تا حدی بطور درست پدیده اجتماعی را برای آنچه بدان ارجاع می‌شود بازنمایی سازد" (Hammersley, ۱۹۹۲: ۵۷). روش‌شناسان کیفی معیارهای بسیار متنوعی را برای ارزیابی داده‌ها و گزارش‌های کیفی پیشنهاد کرده‌اند که ذکر همه آنها در این نوشتار امکان‌پذیر نیست. در جدول ۲، اهم این معیارها به تفکیک صاحب‌نظران آن آورده شده است و در ادامه به معرفی چند مورد از آنها بطور خاص پرداخته می‌شود.

• معیارهای گوبا و لینکلن:

گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) به جای استفاده از واژگان اعتبار و روایی کمی از معیار "اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد"^۱، جهت ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد، به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آنها اعتماد کرد. گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) معتقدند که معیار قابلیت اعتماد دربرگیرنده چهار معیار جداگانه اما به هم مرتبط زیر است؛

- **باورپذیری**^۲: باورپذیری با میزان باور داشتن به یافته‌های تحقیق ارتباط دارد. در

یک تحقیق باورپذیر، داده‌ها همساز و همبسته هستند، نه پراکنده و متناقض. باورپذیری می‌تواند از طریق حفظ و گسترش ارتباط با پاسخگویان، مشاهده دیرپا و مصرانه، زاویه‌بندی (Royse, ۲۰۰۴)، دقت در اجرای فنون کار میدانی (Mitchell, ۱۹۹۳)، شایستگی حرفه‌ای محقق و توجه به بنیان‌های فلسفی تحقیق کیفی (Patton, ۲۰۰۱) افزایش یابد. در تعریفی دیگر، باورپذیری عبارت است از استدلال‌ها و فرایندهای ضروری برای اعتماد به نتایج تحقیق (Bryman, ۱۹۸۸, ۲۰۰۴; Blecher, ۱۹۹۱). این مفهوم تا اندازه‌ای شبیه مفهوم اثبات‌گرایانه اعتبار درونی است.

- **اطمینان‌پذیری**^۳: عبارت است از توانایی شناسایی جایی که داده‌های یک مطالعه معین

از آنجا آمده، چگونه گردآوری شده و چطور به کار رفته‌اند. راهبرد کلیدی برای تأمین اطمینان‌پذیری، آزمون تشخیص^۴ است. با یک آزمون تشخیص، مسیر روشن و ثابت بین داده‌ها و کاربرد آنها مشخص می‌شود. بعلاوه محققان کیفی می‌توانند اطمینان‌پذیری نتایج را از طریق کنترل اعضاء افزایش دهند (Krathwohl, ۱۹۹۸: ۶۹; Tashakkori & Teddlie, ۲۰۰۹: ۲۹۴).^۴

۱. Trustworthiness

۲. Credibility

۳. Dependability

۴. Auditing

کنترل اعضاء^۱ یا اعتبار پاسخگو^۲ تکنیکی است که بدان وسیله محقق مفروضات خود را با یک یا چند نفر از افراد مطلع تحت بررسی کنترل می‌کند. کنترل توسط اعضاء در سرتاسر فرایند گردآوری داده‌ها جهت تایید ارزش حقیقت یا صحت مشاهدات و تفاسیر پژوهشگر، آن طور که آنها ظهور می‌یابند به کار می‌رود (Depoy & Gitlin, ۲۰۰۵). اعتبار پاسخگو یا کنترل عضو پیشنهاد می‌دهد که ما باید همراه با نتایج آزمایشی خود به سوژه‌ها برگشته و آنها را در پرتو واکنش‌های سوژه‌های مان پالایش کنیم (Silverman, ۲۰۰۵: ۵۱۲). البته در این زمینه همان طور که فیلدینگ و فیلدینگ اشاره می‌کنند:

"دلیلی وجود ندارد که فرض شود اعضاء [افراد مورد مطالعه] دارای جایگاه ممتازی به عنوان مفسران کنش‌های خود هستند... بازخوردهای مذکور نمی‌توانند به عنوان اعتبارسازی یا ابطال مستقیم استنباط‌های مشاهده‌گر تلقی شوند. این فرایندهای به اصطلاح "معتبرسازی"^۳ باید به عنوان یک منبع دیگر داده و بینش مورد بحث قرار گیرند!" (Fielding & Fielding).

۳- تأییدپذیری^۴: تأییدپذیری به "عینیت کیفی"^۵ گزارش طبیعت‌گرایانه کیفی اطلاق می‌شود (Erlandson, ۱۹۹۵). در این زمینه محقق باید نشان دهد که یافته‌های آن عملاً و واقعاً مبتنی بر داده‌ها هستند. تأییدپذیری با استانداردهای روش‌ها تا حد امکان و نیز یادداشت کردن همه بینش‌ها، تصمیمات لجستیکی و تصمیمات مربوط به طرح، کامل می‌شود. تأییدپذیری با جزئیات روش‌شناسی‌های به کار رفته در تحقیق ارتباط دارد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا محقق به اندازه کافی جزئیاتی در اختیار ما گذاشته است که بتوانیم گردآوری و تحلیل داده‌ها را ارزیابی کنیم؟

-
۱. Member Check
 ۲. Respondent Validity
 ۳. Validation
 ۴. Confirmability
 ۵. Qualitative Objectivity

۴- انتقال‌پذیری^۱: این مفهوم شبیه به مفهوم اعتبار بیرونی است. انتقال‌پذیری با کاربردپذیری^۲ یافته‌های پژوهش ارتباط دارد. در دانش اثبات‌گرایانه، اعتبار بیرونی بر تعمیم‌پذیری یا بازنمایی پژوهشی متکی است. فرض هستی‌شناختی، پشت سر آن این است که چیزی فراسوی زندگی اجتماعی وجود دارد و محقق نیز تا حدی در مورد آن دارای دانش پیشین است. محققان کیفی، بر عکس بر تعدد و گوناگونی واقعیات ساخته شده تأکید دارند. در همین زمینه تنها چیزی که محقق می‌تواند واقعاً بداند، یافته‌های به‌دست آمده از میدان مورد مطالعه است. این مفهوم تحت‌عنوان "بستر فرستنده"^۳ نیز موسوم است (Guba & Lincoln, ۱۹۸۹; Denzin & Lincoln, ۱۹۹۴). به عبارت دیگر، انتقال‌پذیری درجه‌ای است که در آن نتایج یک مطالعه کیفی می‌تواند به یک محیط متفاوت دیگر نیز منتقل شده و برای یک جمعیت متفاوت به‌کار رود. ابزار اولیه ایجاد انتقال‌پذیری استفاده از توصیف مناسب در ارائه همه جزئیات مرتبط با فرایند تحقیق یا توصیف ضخیم^۴ است. بدین ترتیب، اعتماد‌پذیری هر چهار معیار یاد شده را در بر می‌گیرد و به‌عنوان میزانی تعریف می‌شود که در آن یک محقق می‌تواند مخاطبان را متقاعد سازد که یافته‌های وی ارزش توجه کردن دارند. ایسنر (۱۹۷۵ و ۱۹۹۸)، لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) معیار دیگری نیز با عنوان "کفایت استنباطی"^۵ عنوان کرده‌اند. این معیار عبارت از جداکردن بخشی از داده‌های خام و بازتحلیل آن‌ها، جهت ارزیابی کیفیت استنباط‌ها و نتایج می‌باشد.

• معیار زاویه‌بندی دنزین

۱. Transformability
۲. Applicability
۳. Context - Sender
۴. Thick Description
۵. Inference Adequacy

زاویه‌بندی^۱ را می‌توان هم به‌عنوان یک روش تحقیق مستقل کیفی و هم به مثابه روشی جهت افزایش کیفیت تحقیقات کیفی تلقی کرد. این راهبرد ابتدا توسط کمپیل و فیسک (۱۹۵۹) به کار رفت و سپس توسط دنزین (۱۹۸۹) بسط یافت. زاویه‌بندی یکی از محبوب‌ترین راهبردهای اعتبارسنجی در تحقیقات کیفی است. این راهبرد عبارت از همگرایی مبتنی بر یک یافته خاص با استفاده از انواع متفاوت روش‌ها، نظریات/ رویکردها، پژوهشگران و منابع اطلاعاتی می‌باشد (Patton, ۲۰۰۱: ۵۵۶; Shank, ۲۰۰۶: ۱۱۳). در همین زمینه، دنزین زاویه‌بندی را چنین تعریف کرده است: "با ترکیب نمودن مشاهده‌گران، نظریات، روش‌ها و منابع داده‌ای گوناگون، [محققان] می‌توانند نسبت به غلبه بر سوگیری که ناشی از مطالعات تک- روشی، تک- مشاهده‌گری، و تک- نظریه‌ای هستند، امیدوار باشند" (Denzin, ۱۹۸۹: ۳۴۷). پس از این تعریف، دنزین و همکاران (۱۹۸۹، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۵)، چهار نوع متفاوت اما به هم مرتبط زاویه‌بندی را به شرح زیر از یکدیگر تفکیک کرده‌اند:

۱- **زاویه‌بندی روش‌شناختی**^۲: این نوع زاویه‌بندی رایج‌ترین شکل زاویه‌بندی و عبارت از کنترل کردن انطباق و سازگاری یافته‌های تولید شده با روش‌های گوناگون گردآوری داده‌ها می‌باشد. در این نوع زاویه‌بندی، در یک تحقیق کیفی از بیش از یک روش گردآوری داده‌ها یا روش‌های متعدد استفاده می‌شود. دو نوع زاویه‌بندی روش‌شناختی وجود دارد. یکی زاویه‌بندی درون‌روشی^۳ است که در آن دو یا چند روش/ ابزار برای سنجش یک پدیده چند بُعدی به کار می‌روند، و دیگری زاویه‌بندی میان‌روشی^۴ است که در آن راهبردهای تحقیقی از دو یا چند سنت پژوهشی با هم ترکیب می‌شوند.

۱. Triangulation

۲. Methodological Triangulation

۳. Inter- Method Triangulation

۴. Intra ° Method Triangulation

۲- **زاویه‌بندی داده‌ای**^۱: عبارت از کنترل سازگاری منابع داده‌ای متفاوت، در قالب همان روش می‌باشد. در این نوع زاویه‌بندی از بیش از یک منبع داده‌ای - یا منابع داده‌ای متعدد - استفاده می‌شود (Lee, ۲۰۰۰).

۳- **زاویه‌بندی تحلیلی یا پژوهشگر**^۲: آن استفاده از بیش از یک پژوهشگر یا تحلیلگر یا پژوهشگران و تحلیلگران متعدد جهت بررسی و بازنگری یافته‌ها می‌باشد. کیمچی و همکاران (۱۹۹۱: ۳۵۶) بر این باورند که زاویه‌بندی محقق زمانی اتفاق می‌افتد که الف) هر محقق دارای یک نقش مسلط باشد، ب) تخصص هر محقق متفاوت باشد، و ج) تخصص (سوگیری رشته‌ای) هر محقق در مطالعه مشهود باشد. استفاده از زاویه‌بندی محقق، پتانسیل سوگیری را که ممکن است در مطالعه‌ی تک-پژوهشگر رخ داده را از بین می‌برد.

۴- **زاویه‌بندی نظری**^۳: این نوع زاویه‌بندی در واقع استفاده از نظریات یا رویکردهای متعدد نظری، جهت تحلیل و تفسیر نتایج می‌باشد.

علاوه بر این چهار نوع، کیمچی و همکاران (۱۹۹۱)، دو نوع دیگر نیز به انواع مذکور افزوده‌اند که به زاویه‌بندی چندگانه^۴ و زاویه‌بندی تحلیلی^۵ موسوم هستند. زاویه‌بندی چندگانه عبارت از ترکیب بیش از یکی از انواع چهارگانه زاویه‌بندی فوق در یک تحقیق می‌باشد. در زاویه‌بندی تحلیلی، یک دسته مشابه از داده‌ها با استفاده از دو یا چند تکنیک تحلیل داده‌ها، تحلیل می‌شوند. هدف این نوع زاویه‌بندی، ارزیابی شباهت یافته‌ها و ارزیابی میان-اعتباریابی^۶ آن‌ها است.

۱. Data Triangulation

۲. Investigator Triangulation

۳. Theoretical Triangulation

۴. Multiple Triangulation

۵. Analytic Triangulation

۶. Cross-Validation

• معیارهای اعتباریابی نیومن:

نیومن جهت ارزیابی اعتبار در تحقیقات کیفی دو معیار همسازی درونی^۱ و بیرونی^۲ را پیشنهاد می‌دهد. همسازی درونی، شیوه‌ای است برای دستیابی به اعتبار داده‌های تحقیق میدانی که در آن یک محقق، موجه‌نمایی داده‌ها را بررسی می‌کند، تا ببیند که آیا آن‌ها یک کل منسجم را تشکیل می‌دهند و همه آنچه در مورد یک شخص، یا رویداد شناخته شده است را با یکدیگر منطبق می‌کند. در مقایسه، همسازی بیرونی، شیوه‌ای است برای دستیابی به روایی داده‌ها در تحقیق میدانی، که در آن محقق داده‌های کیفی را با استفاده از منابع گوناگون اطلاعات میان-کنترل کرده و آنها را تایید می‌نماید (Neuman, ۲۰۰۶: ۴۰۴).

نیومن (۲۰۰۶) بر این باور است که اعتبار در تحقیق کیفی بستگی به بازنمایی درست جهان اجتماعی در میدان مطالعه دارد. از نظر وی اعتبار داده‌های میدانی به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا مشاهدات محقق در مورد یک عضو، یا رویداد میدانی از نظر درونی و بیرونی سازگار هستند؟ وی بر این باور است که تکرارپذیری یک معیار نیست، زیرا کار میدانی تقریباً محال است که تکرار شود. بر همین اساس، وی چهار نوع آزمون اعتبار یا صحت یک تحقیق میدانی کیفی را به شرح زیر از یکدیگر تفکیک کرده است:

۱- اعتبار اکولوژیکی^۳: این اعتبار نشان می‌دهد که توصیف‌های محقق از میدان تحقیق با توصیف‌های اعضای آن منطبق بوده و حضور محقق مایه‌ی مزاحمت نشده است. این اعتبار بیانگر سندیّت یا اعتمادپذیری یک مطالعه است.

۲- تاریخ طبیعی^۱: یک توصیف مفصل از اینکه چگونه یک پروژه انجام شده است؟ تحقیقی از نظر تاریخ طبیعی معتبر است که در آن افراد خارج از میدان مطالعه، کنش‌های محقق را می‌بینند و می‌پذیرند.

۱. Internal Consistency

۲. External Consistency

۳. Ecological Validity

۳- اعتبار اعضاء^۲: زمانی اتفاق می افتد که یک محقق نتایج میدانی برگرفته را به اعضاء بر می گرداند تا در مورد کفایت آن داوری نمایند. یک مطالعه زمانی معتبر- عضو است که اعضاء، توصیف محقق را آن طور که جهان اجتماعی درونی آن ها را منعکس می سازد، بازشناسی و فهمیده باشد.

۴- اجرای بومی - شایسته^۳: توانایی یک عضو برای تعامل یا اجرای مؤثر و همچنین توانایی نقل کردن و فهمیدن مسائل طرف مقابل می باشد (Neuman, ۲۰۰۶: ۴۰۵).

• معیارهای اعتباریابی ماکسول:

ماکسول (۱۹۹۷ و ۲۰۰۴) به شیوه ای دیگر و با به کارگیری مفهوم اعتبار در تحقیق کیفی، انواع اعتبار کیفی را بصورت زیر از یکدیگر تفکیک نموده است:

۱- اعتبار توصیفی^۴: عبارت از درستی بالفعل یک گزارش، آن طور که توسط محقق گزارش شده است، می باشد. این نوع اعتبار از طریق "زاویه بندی پژوهشگر" به دست می آید.

۲- اعتبار تفسیری^۵: عبارت از به تصویر کشیدن درست معانی نسبت داده شده از سوی مشارکت کنندگان به آنچه مطالعه می شود می باشد. این نوع اعتبار از طریق دو استراتژی "بازخورد مشارکت کننده"^۶ و "توصیف گر با استنباط- پائین"^۷ به دست می آید. بازخورد مشارکت کننده، عبارت از بحث محقق با مشارکت کنندگان واقعی در زمینه نتایج

۱. Natural History

۲. Member Validation

۳. Competent Insider Performance

۴. Descriptive Validity

۵. Interpretive Validity

۶. Participant Feedback

۷. Low- Inference Descriptor

تحقیق است (کنترل اعضاء مهمترین ابزار در این قسمت می‌باشد). توصیف‌گر با استنباط-پائین، توصیفی است که بسیار شبیه به گزارشات و یادداشت‌های میدانی محققان نوشته می‌شود. توصیف کلمه به کلمه پایین‌ترین توصیف‌گر است، زیرا کلمات دقیق مشارکت‌کننده در نقل قول‌های مستقیم عبارت می‌یابد.

۳- اعتبار نظری^۱: به درجه‌ای اطلاق می‌شود که در آن یک تبیین نظری توسعه‌یافته از مطالعه تحقیقی، با داده‌ها سازگاری دارد و بنابراین باورپذیر و قابل دفاع است. راهبردهای افزایش این نوع اعتبار "کار میدانی گسترده"^۲ و "زاویه‌بندی نظری" است. کار میدانی گسترده عبارت از گردآوری داده‌ها در یک میدان در طول یک دوره‌ی زمانی گسترده و طولانی است. زاویه‌بندی نظری عبارت از کاربرد نظریات یا رویکردهای متعدد برای کمک به تفسیر و تبیین داده‌ها می‌باشد.

زمانی که محقق در حال ایجاد تبیین نظری است، می‌تواند از نظریه استفاده نموده و صحت این پیش‌بینی‌ها را آزمون کند. در این مرحله می‌توان از راهبرد منطبق‌سازی الگو^۳ استفاده کرد. منطبق‌سازی الگو، عبارت است از پیش‌بینی نتایج و تعیین اینکه آیا نتایج واقعی با الگوی پیش‌بینی شده منطبق است؟ یا خیر؟ در صورتی که همه پیش‌بینی‌ها آن‌طور که انتظار می‌رفت رخ دادند، محقق شواهدی برای حمایت از این تبیین در اختیار دارد. شیوه دیگر ارتقاء این نوع، اعتبار استفاده از داوری-بازنگر^۴ است. در این راهبرد تفاسیر و استنتاجات به دست آمده با یک سری از داوران بحث و ارزیابی می‌شود.

۴- اعتبار درونی [کیفی]^۵: درجه‌ای که در آن محقق کیفی توجیه می‌شود که رابطه مشاهده شده، یک رابطه‌ی علی است. گرچه محققان کیفی چندان به روابط علت-معلول

۱. Theoretical Validity

۲. Extended Fieldwork

۳. Matching Pattern

۴. Peer Reviewer

۵. [Qualitative] Internal Validity

علاقمند نیستند، اما در برخی مواقع، آنها مایل به شناسایی علل و معلول‌های بالقوه هستند (Maxwell, ۲۰۰۴). دو راهبرد افزایش این نوع اعتبار، یکی محقق به مثابه کارآگاه^۱ (محقق به مثابه کارآگاه استعاره‌ای است که زمانی برای محقق به کار می‌رود که در جستجوی علت و معلول است) و دیگری، حذف تبیین‌های جایگزین^۲ می‌باشد (Johnson & Christensen, ۲۰۰۸: ۲۷۵).

تعمیم‌پذیری، انتقال‌پذیری و برون‌یابی در تحقیق کیفی

در این بخش از مقاله به مسئله تعمیم‌پذیری^۳ یا به بیان روش‌شناسان کیفی "انتقال‌پذیری" داده‌ها و نتایج تحقیق کیفی پرداخته می‌شود. در اینجا سه نوع تعمیم شامل تعمیم نظری (تعمیم کمی آماری)، تعمیم استنباطی^۴ و تعمیم بازنمایی^۵ (تعمیم کیفی) از یکدیگر تفکیک شده‌اند که به هر یک از آن‌ها بطور جداگانه پرداخته می‌شود.

۱) تعمیم نظری (آماري):

مفهوم کلاسیک تعمیم ابتدا توسط نویسندگانی نظیر کاپلان (۱۹۶۴) بکار رفت و متضمن گزاره‌های روابط علی است که دارای کاربرد جهان‌شمول‌اند. کاپلان^۶ تعریفی از تعمیم "نومیک"^۷ ارائه داده است که مهمترین ویژگی آن چنین است:

"تعمیم بایستی بدرستی جهان‌شمول و نامحدود به زمان و مکان باشد، باید آنچه همیشه و همه جا مورد مطالعه ما است را فرمول‌بندی کند، تنها مشروط به اینکه شرایط مناسب مهیا شود." (Kaplan, ۱۹۶۴: ۹۱)

۱. Researcher ° as- Detective
۲. Rule Out Alternative Explanations
۳. Generalization
۴. Inferential Generalization
۵. Representational Generalization
۶. Kaplan
۷. Nomic

بنابراین از دیدگاه کاپلان، تعمیم‌ها فارغ از بستر^۱ بوده و ارزش آن‌ها در توانایی برای دستیابی به پیش‌بینی، نهفته است (Ritchie & Lewis, ۲۰۰۵: ۲۶۷). به عبارت دیگر، تعمیم نظری شامل استفاده یا عمومیت دادن یافته‌های مطالعات تحقیق کمی به جمعیت‌ها یا میدان‌های فراتر از نمونه خاص مورد مطالعه است. این نوع تعمیم در روش‌شناسی کمی با عنوان اعتبار بیرونی تعریف می‌شود. در مقابل، محققان کیفی با رد تعمیم‌های اثبات‌گرایانه که مدعی عینیت‌نگری هستند، بر این باورند که اصول تعمیم‌سازی در روش اثباتی، دارای اشکالات بنیادی می‌باشد.

۲) تعمیم استنباطی:

تعمیم استنباطی در ارتباط با این سؤال مطرح می‌شود که آیا یافته‌های یک مطالعه خاص می‌تواند به محیط‌ها یا بسترهای دیگر فراتر از بستر نمونه‌گیری شده، تعمیم داده شود. گوبا و لینکلن (۲۰۰۵) در موضع‌گیری‌های مربوط به این تعمیم یعنی تعمیم دادن از بستر یک مطالعه تحقیقی به سایر محیط‌ها یا بسترها دارای تأثیرات مهمی بوده‌اند. آنان در مورد "تعمیم طبیعی"^۲، مفهومی که توسط رابرت استیک^۳ (۱۹۹۵ و ۲۰۰۰) ابداع شده است، صحبت می‌کنند. این نوع تعمیم، شکلی شهودی‌تر و تجربی‌تر از تعمیم بر اساس تجربه و احساسات خود محقق ارائه می‌دهد و نه تعمیمی که عقلانی و شبه-قانون^۴ باشد. استیک در این باره می‌گوید:

"آنچه که درکی مفید می‌شود، دانش کامل و دقیق از مورد خاص، و نیز شناسایی آن در بسترهای نوین و غریب است. این نوع دانش شکلی از تعمیم به

۱. Context-Free

۲. Natural Generalization

۳. Robert Stake

۴. Law-Like

دست آمده از طریق شناسائی تشابهات ابژه‌ها و جریان‌ات درون و بیرون بستر و از طریق حس نمودن هم‌تغییری‌های طبیعی رخ داده‌است" (Stake, ۱۹۹۵: ۶).

بر اساس چنین دیدگاهی، لینکلن و گوبا عنوان داشته‌اند که انتقال‌پذیری به میزان توافق بین "بستر فرستنده"، که در درون آن تحقیق اجرا می‌شود، و "بستر گیرنده"^۱، که در زمینه آن به کار می‌رود بستگی دارد. محقق باید "توصیف ضخیم"^۲ را فراهم سازد. توصیف ضخیم به شیوه‌های متفاوتی بیان شده است اما آن ذاتاً محقق را ملزم می‌سازد که جزئیات کافی از مشاهدات و تفاسیر اولیه - محیطی که در آن، آن‌ها رخ داده‌اند - فراهم سازد تا خواننده را جهت ارزیابی و معیاربندی معانی داده شده به آن‌ها مهیا سازد. چنین تعمیمی لازم است به‌عنوان فرضیه‌ای بدان تکیه شود تا زمانی که از سوی شواهد بیشتر تایید یا رد^۳ شود (Ritchie & Lewis, ۲۰۰۵).

کرونباخ^۳ (۱۹۷۵) که یکی از چهره‌های مهم روان‌سنجی و روش‌های تحقیق است، توجه ویژه به مسئله تعمیم داشته. وی به این نتیجه رسیده است که پدیده‌های اجتماعی بسیار متغیر و مقید به بستر هستند، به گونه‌ای که تعمیم‌های تجربی معنادار را بدست نمی‌دهند.

کرونباخ و همکاران (۱۹۸۰ و ۱۹۸۲) یک زمینه معتدل در مجادلات روش‌شناسی پارادایم‌ها بر سر تعمیم‌پذیری ارائه کرده‌اند. آنان ارزش اندکی برای طرح‌های آزمایشگاهی که با چنین دقتی بر کنترل علت و معلول (اعتبار درونی) تمرکز داشته و اینکه یافته‌های آن‌ها بطور وسیع فراتر از آن موقعیت کنترل شده (اعتبار بیرونی)، است، قائل‌اند. در مقابل، پیشنهاد داده‌اند که عمق، دامنه، واقع‌گرایی و کنترل را متعادل ساخته تا آنجا که "برون‌یابی"^۴ را میسر سازد. برون‌یابی، برخلاف معنای تعمیم‌پذیری بیانگر آن است که فرد

۱. Receiver - Context

۲. Thick Description

۳. Cronbach

۴. Extrapolation

به فراتر از محدوده‌های کوچک (تنگ) داده‌ها، جهت تفکر در مورد کاربردهای دیگر آن‌ها رفته است. برون‌یابی، معتدل‌ترین تأملات در مورد کاربردپذیری احتمالی یافته‌ها به دیگر موقعیت‌های تحت شرایط مشابه، اما نه تصنعی، هستند... برون‌یابی‌ها می‌توانند مخصوصاً زمانی مفید باشند که مبتنی بر نمونه‌ها و طرح‌های پر-اطلاعات باشند (Patton, ۲۰۰۱: ۵۸۴). این نوع تعمیم در توافق با مبحث برون‌یابی کرونباخ، توسط لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) با عنوان انتقال‌پذیری مطرح شده است.

در راستای تلاش برای ارائه راهبردهای تعمیم‌سازی در روش کیفی، برخی محققان نظیر لینکلن و گوبا، استیک و جانسون، معیاری به نام "تعمیم طبیعت‌گرا" مطرح نموده‌اند. تعمیم طبیعت‌گرا عبارت است از تعمیم بر اساس شباهت، هر چه شباهت افراد و شرایط در یک مطالعه پژوهشی خاص، هماهنگی بیشتری با آن‌هایی داشته باشد که محقق می‌خواهد تعمیم دهد، تعمیم قابل دفاع‌تر بوده و محقق می‌تواند با آمادگی بیشتری چنین تعمیم‌هایی را توجیه نماید. این نوع تعمیم مبتنی بر "منطق تکرار" است. منطق تکرار، ایده‌ای است که بر اساس آن هرچه یافته‌های تحقیق با مجموعه‌های متفاوتی از افراد به دفعات بیشتر حقیقی به نظر رسد، اطمینان به یافته‌ها و تعمیم فراتر از مشارکت‌کنندگان اولیه، بیشتر خواهد بود (Johnson & Christensen, ۲۰۰۸: ۲۸۲). گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) به ارج‌گذاری و توجه به "بستر"^۲ به عنوان یک محدوده طبیعی برای تعمیم طبیعت‌گرا تاکید دارند. آنها این سؤال را مطرح می‌کنند که یک تعمیم می‌تواند چه چیزی جز این باشد که فارغ از بستر است؟ از نظر آن‌ها واقعاً ناممکن است که هیچ رفتار انسانی را تصور کرد که قویاً از سوی بستری که در آن، رفتار رخ می‌دهد، وساطت نشود. بر همین اساس آنان مفاهیم "انتقال‌پذیری" و "انطباق‌یافتگی"^۳ را پیشنهاد می‌دهند. میزان انتقال‌پذیری، کارکرد مستقیم "شباهت" بین دو بستر است. انطباق‌یافتگی به مثابه درجه توافق بین بسترهای

۱. Replicability Logic

۲. Context

۳. Fittingness

فرستنده و بسترهای گیرنده تعریف می‌شود. اگر بستر الف و ب بطور کافی توافق داشته باشند، پس فرضیات کاراً از بستر خاستگاه فرستنده، ممکن است در بستر گیرنده قابل کاربرد باشد. (Lincoln & Guba, ۱۹۸۵: ۱۲۴).

۲) تعمیم بازنمایی:

تعمیم بازنمایی، به این سؤال مرتبط است که آیا آنچه که درباره آن تحقیق شده یا دانسته شده است، می‌تواند به جمعیت مشابه برگرفته از آن، تعمیم داده شود. این نوع تعمیم عبارت است از میزانی که در آن یافته‌ها می‌توانند به همان جمعیتی که از آن نمونه‌گیری شده‌اند، تعمیم داده و استنباط شوند. واقعیت این است که تحقیق کیفی مستلزم نمونه‌های نسبتاً کوچک است که طوری گزینش نمی‌شوند که دارای نمایائی آماری باشند. از این رو تعمیم بازنمایی در روش کیفی، متفاوت از روش کمی است. این تعمیم بر اساس منطق آماری صورت نمی‌گیرد، بلکه این نوع تعمیم، محتوا یا "نقشه" دامنه‌ای از دیدگاه‌ها، تجربیات، بازده‌ها، یا دیگر پدیده‌های تحت مطالعه است و عوامل و مقتضیاتی را که بر آنها تأثیر گذاشته و آنها را شکل می‌دهند، که به نوبه خود می‌تواند به جمعیت تحقیق شده نیز تعمیم شود، می‌باشد. شواهد دیگر تحقیق می‌توانند در ارزیابی اینکه تا چه اندازه یافته‌های مطالعه می‌توانند به جمعیت مشابه تعمیم داده شوند، یاریگر باشند، اما برای تعمیم بازنمایی کیفی لازم نیستند. تعمیم بازنمایی می‌تواند با دو معیار ارزیابی شود؛ نخست، میزان است که با آن پدیده در مطالعه نمونه تشریح و تفسیر شده است، این امر به کیفیت کارمیدانی، تحلیل، و تفسیر بستگی دارد. دوم، میزانی است که در آن نمونه، نمایای جمعیت نمونه‌گیری شده باشد. همان طور که عنوان شد نمایایی در طرح کیفی به معنای انطباق آماری نیست، بلکه منحصراً به معنای این است که آیا نمونه "نمایایی نمادین" را با شمول تنوع ابعاد و عناصر شاکله‌ای که برای تبیین محوریت دارند، فراهم می‌سازد (Mitchell, ۱۹۹۳; Yin, ۲۰۰۳; Ritchie & Lewis, ۲۰۰۵).

بدین ترتیب، برخلاف روش‌شناسی کمی، تعمیم، هدف اصلی تحقیق کیفی نیست. دو دلیل عمده بر این وضعیت متصور است: نخست اینکه، مردم و محیط‌های مورد بررسی در تحقیق کیفی به‌ندرت بطور اتفاقی انتخاب می‌شوند. نمونه‌گیری اتفاقی بهترین روش تعمیم از یک نمونه به نمونه دیگر است. در نتیجه تحقیق کیفی تقریباً همیشه در قالب اعتبار جمعیت متمرکز بر "تعمیم‌پذیری"^۱ ضعیف است. دوم اینکه، برخی محققان کیفی به مستندسازی یافته‌های "خاص‌گرا"^۲ از یافته‌های "عمومیت‌گرا"^۳ علاقمندند. به عبارت دیگر، در برخی اشکال تحقیق کیفی، هدف تشریح گروه معینی از افراد یا رویدادها در یک بستر خاص است (Yin, ۲۰۰۳; Johnson & Christensen, ۲۰۰۸). برخی از روش‌شناسان کیفی از واژه "انتقال‌پذیری" یا "اعتبار خارجی کیفی" جهت اشاره به تعمیم‌پذیری کیفی، استفاده می‌کنند. با این وجود از آنجا که "بسترگیرنده" که در آن یافته‌های "بستر فرستنده" به کار می‌روند، دارای تفاوت‌های خاصی است، لذا روش‌شناسان کیفی، بایستی انواع بسترهایی را که در آن یافته‌ها می‌توانند به آنها "منتقل" شوند را شناسایی و درک کنند. بطور کلی، تعمیم در تحقیق کیفی در همه اشکال و شیوه‌های آن مبتنی بر این اصل است که نتایج و یافته‌ها به جمعیتی که از آن نمونه‌گیری صورت گرفته (تعمیم بازنمائی)، و نیز به محیط‌های دیگری که در شرایط مشابه با شرایط جامعه مطالعه شده وجود دارد، عمومیت‌یافته و نیز در تولید یا ارتقاء ایده‌ها و نظریات (تعمیم نظری) سهم داشته باشد. با این وجود، در روش تحقیق کیفی محدودیت‌های جدی در مورد آنچه که می‌تواند تعمیم یابد، وجود دارد. بعلاوه، تنوعات و پراکندگی در سطحی از تعیین که می‌تواند به یک استنباط نسبت داده شود، بسته به سطح معنا یا تفسیر ارائه شده، وجود دارد.

جدول ۳- مهمترین راهبردهای ارتقای کیفیت در تحقیقات کیفی

۱. Generalizability
۲. Particularistic
۳. Universalistic

راهبردهای ارتقای کیفیت در تحقیقات کیفی	
راهبرد	توضیحات
گوبا و لینکلن (۱۹۸۵)	تحلیل مورد منفی، کفایت استنباطی، کنترل عضو، درگیری طولانی مدت، مشاهده مصرانه، تکنیک‌های زاویه‌بندی، داورخوانی، توصیف ضخیم، داوری اطمینان‌پذیری، داوری تایید‌پذیری، مجله بازنگر
میلز و هابرمین (۱۹۹۴)	کنترل بازنمایی، کنترل تأثیرات محقق، زاویه‌بندی، وزن‌بخشی به شواهد، تقابل‌سازی و تطبیق، کنترل معنای داده‌های پرت، استفاده از موارد افراطی، خط زدن روابط ساختگی، تکرارشدن یک یافته، کنترل تبیین‌های رقیب، جستجوی شواهد منفی، بازخورد مطلعین
سیلورمن (۲۰۰۵)	اصل ابطال‌پذیری، روش مقایسه‌های ثابت، بحث جامع داده‌ای، تحلیل مورد-منحرف، ساخت نظریات مقید، عمق تحلیلی، داشتن سهم عملی، به‌کارگیری رهیافت خود-انتقادی
جانسون و کریستنسن (۲۰۰۸)	محقق به‌مثابه کارآگاه، حذف تبیین‌های جایگزین، کار میدانی گسترده، توصیف‌گرهای با استنباط پائین، زاویه‌بندی، زاویه‌بندی داده‌ای، زاویه‌بندی روش‌ها، زاویه‌بندی پژوهشگر، زاویه‌بندی نظریه، بازخورد مشارکت‌کننده، بازنگری داور، تشخیص خارجی، نمونه‌گیری مورد-منفی، بازاندیشی، انطباق الگو
ریچی و لوین (۲۰۰۵)	پوشش نمونه، نمایش داده‌ها، شناسایی و برچسپ مقوله‌ها، تفسیر شواهد، تشریح پدیده

تهدیدها و راهبردهای ارتقای کیفیت در تحقیقات کیفی

فرایند و کیفیت استنباط در روش‌های کیفی از جمله معتبرسازی و تعمیم داده‌ها و یافته‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص آن همواره در معرض تهدیدها و خطرهایی است که می‌تواند کل فرایند طرح کیفی را زیر سؤال ببرد. بر همین اساس این بخش از مقاله،

تهدیدهای فرا روی کیفیت در تحقیقات کیفی و همچنین راهبردهایی جهت ارتقاء استنباطهای کیفی را بطور مختصر مورد بحث قرار می‌دهد. جدول ۳، راهبردهای پیشنهادی ارتقاء کیفیت از سوی برخی روش‌شناسان برجسته را نشان می‌دهد. در اینجا، نظر به ایجاز مطالب، تنها به راهبردهای میلز و هابرم (۱۹۹۴) و سیلورمن (۲۰۰۵) بسنده می‌شود.

• راهبردهای ارتقاء کیفیت میلز و هابرم

یکی از مهمترین تهدیدهای استنباطی طرح کیفی چیزی است که میلز و هابرم (۱۹۹۴) آن را "خطای کل‌گرایی"^۱ می‌خوانند. این خطا زمانی اتفاق می‌افتد که محقق هر چه بیشتر و بیشتر مطمئن می‌شود که یافته‌های او درست بوده و مدل "در عمل"^۲ موقعیت را تبیین می‌کند. در راستای حل این مسئله و نیز برای ارتقاء اعتبار و روایی در تحقیق کیفی، آن‌ها دوازده راه حل را به شرح زیر عنوان می‌دارند:

۱. کنترل بازنمایی^۳: سنجش در تحقیق کیفی می‌تواند هم با توجه به محقق و هم افرادی که آن‌ها را مطالعه می‌کنند، سوگیری شود. برای اندازه‌گیری بازنمایی کل جمعیت، محقق به دنبال داده‌هایی می‌گردد که به راحتی قابل دسترس نیستند. وی فرض می‌کند که کنش‌های مشاهده شده بیانگر و نمایای کنش‌هایی هستند که در زمانی که محقق حضور ندارد، رخ می‌دهند. از این رو، باید در مورد اینکه آیا چنین است یا نیست، تصمیم‌گیری شود.

۲. کنترل تأثیرات محقق^۴: در بسیاری موارد حضور محقق می‌تواند باعث تغییر رفتار شود و به سنجش نامعتبر منجر شود. برای اجتناب از این تأثیر محقق باید به قدر کافی در

۱. Holistic Fallacy

۲. Actually

۳. Checking for Representativeness

۴. Checking for Researcher Effects

میدان بماند تا آشنا شود، از سنج‌های غیر مزاحم^۱ استفاده نماید و درون‌داده‌ها را از مطلعین بخواهد.

۳. **زاویه‌بندی:** استفاده از بیش از یک روش، یک مجموعه داده، یک رویکرد نظری و یک محقق در اجرای پروژه کیفی، منجر به ارتقاء اعتبار و روایی تحقیق کیفی می‌شود.

۴. **وزن‌بخشی به شواهد:**^۲ تحقیق کیفی مستلزم تقلیل میزان زیادی از داده‌ها در خلال فرایند رسیدن به استنتاج است. در این فرایند برخی شواهد از توده‌ای از داده‌ها تسخیر شده و در رسیدن به نتیجه‌گیری به کار می‌روند. محقق لازم است نقاط قوت داده‌های تسخیر شده را جهت اعتباربخشی به نتایج، بازنگری کند. محقق باید فعالانه به دنبال دلایلی باشد که چرا نباید شواهد مورد اعتماد قرار گیرند.

۵. **تقابل‌سازی و تطبیق:**^۳ تقابل بین سوژه‌ها یا رویدادها در رابطه با نتایج مطالعه باید بررسی شوند.

۶. **کنترل معنای داده‌های پرت:**^۴ استثنائات یافته‌ها باید شناسائی و بررسی شوند. لازم است افرادی که داده پرت دارند را مجدداً جستجو و پیدا کرد.

۷. **استفاده از موارد افراطی:**^۵ برخی داده‌های پرت را موارد افراطی می‌گویند. محقق باید مورد افراطی را با مدل نظری که توسعه داده است مقایسه کرده و عوامل کلیدی را که باعث این عدم انطباق شده‌اند، را تعیین نماید.

۸. **خط زدن روابط ساختگی:**^۶ این راهبرد مستلزم بررسی روابط شناسائی شده در مدل، جهت رسیدگی به امکان متغیر سوم مؤثر بر موقعیت است.

۱. Unobtrusive Measures

۲. Weighing the Evidence

۳. Making Contrasts and Comparisons

۴. Checking the Meaning of Outliers

۵. Using Extreme Cases

۶. Ruling Out Spurious Relations

۹. **تکرار شدن یک یافته^۱**: مستندسازی یافته‌ها از چند منبع مستقل باعث افزایش اطمینان‌پذیری یافته‌ها شده و خطای کل‌نگری را کاهش می‌دهد. یافته‌ها می‌توانند هم با یافته‌های گردآوری شده بعدی در مطالعه و هم با داده‌های برگرفته از میدان دیگر یا مجموعه داده دیگر، آزمون شوند. البته گزینه دوم دقیق‌تر است.

۱۰. **کنترل تبیین‌های رقیب^۲**: تقریباً در پایان تحلیل داده‌ها، زمانی که محقق به لحاظ عاطفی با یک ایده "مانوس"^۳ می‌شود مفید است کسی را که در تحقیق درگیر نبوده را به‌عنوان یک مدافع شیطانی در نظر بگیرد. سؤالاتی مانند "چه چیزی می‌تواند این فرضیه یا نظریه را رد کند یا برعکس؟" مفید است، شواهدی که با فرضیه منطبق نیستند باید به‌دقت بازنگری شوند.

۱۱. **جستجوی شواهد منفی^۴**: این راهبرد باید برای تاییدزدایی از آنچه درست و حقیقی باور می‌شود، صورت گیرد.

۱۲. **بازخورد مطلعین^۵**: این راهبرد با عناوین اعتبار عضو، کنترل توسط اعضاء و یا اعتبار پاسخگو پیشتر توضیح داده شد (Burns & Grove, ۲۰۰۵: ۳۸۳-۳۸۴).

• راهبرد ارتقاء کیفیت سیلورمن

علاوه بر این‌ها، سیلورمن (۲۰۰۵) نیز اصول و راهبردهایی را در راستای معتبرسازی داده‌های کیفی ارائه می‌دهد که عبارتند از:

۱- **اصل ابطال‌پذیری**: بر اساس این اصل، محقق باید از وسوسه خود جهت پرش به نتایج ساده‌لوحانه دوری نماید.

۱. Replicating a Finding
۲. Checking Out Rival Explanations
۳. Wedded on
۴. Looking For Negative Evidence
۵. Obtaining Feedback from Informants

- ۲- **روش مقایسه‌های ثابت:** به این معنا که محقق باید همواره تلاش نماید مواردی را بیابد که از طریق آن، فرضیات مشروط خود را آزمون کند. روش مقایسه‌ای ثابت مستلزم بررسی و تطبیق قطعات داده‌ای است که از یک مورد معین ظاهر می‌شوند.
- ۳- **بحث جامع داده‌ای:** بدین معنا که در رابطه با همهٔ انواع و اشکال داده‌های به‌کار رفته در طرح توضیحات کافی داده شود.
- ۴- **تحلیل مورد- منحرف:** در یک تحقیق کیفی هر بخش و قطعه‌ای از داده‌ها باید مورد استفاده قرار گیرد تا زمانی که می‌توان راجع به آن توضیح داد.
- ۵- **ساخت نظریات مقید:** نظریات داده‌محور (مانند نظریه زمینه‌ای) کیفی باید بطور مشروط و مقید به شرایط پدیده‌ی تحت‌مطالعه به شکلی موقتی و موقعیتی پذیرفته شوند و از ارائه تعمیم‌های جهان‌شمول عمومی که با منطق هستی‌شناسی روش کیفی در تضاد است، دوری شود.
- ۶- **به‌کارگیری رهیافت خود- انتقادی:** در سرتاسر طراحی و اجرای پروژه، محقق کیفی باید "خود-تأملی" و "خود انتقادی" را در مرکز کاربردهای روشی، نظری، تفسیری و تحلیلی خود قرار بدهد.
- ۷- **داشتن سهم عملی:** بر اساس این قاعده، محقق باید در اجرای مراحل پروژه سهم عملی داشته و به دانش نظری و روشی طرح کیفی اضافه نماید.
- ۸- **عمق تحلیلی:** بر اساس این راهبرد، تحلیل‌های کیفی باید تا حدّ امکان ژرفانگر، عمیق و جامع باشند. توصیف ضخیم یکی از راه‌های دستیابی به عمق تحلیلی است (سیلورمن، ۲۰۰۵: ۲۳۱-۲۲۹).

معیارها و راهبردهای ارزیابی داده‌ها، نتایج و استنباط‌های کمی و کیفی با توجه به پی‌بندی‌های فلسفی-پارادایمی روش‌شناسی آن‌ها، ارائه شده‌اند و در راستای برآورده ساختن اصول پارادایمی آن‌ها هستند. از این‌رو، محققان می‌توانند با اتخاذ نوع جهان‌بینی پارادایمی خود، از هر یک از روش‌های کمی و کیفی و نیز معیارها و راهبردهای ارزیابی هر کدام در تحقیقات خود استفاده نموده و عملاً مشخصه‌های هر کدام را در عمل تجربه نمایند. روش‌های بررسی کیفیت استنباط و فرایندهای آن آشکارا نشان‌دهنده پی‌بندی‌های فلسفی و پارادایمی طبیعت‌گرایی، تفسیرگرایی، و برساخت‌گرایی اجتماعی است. بر اساس گزاره‌ها و مفروضات این پارادایم‌ها، مخصوصاً تعریف انسان به مثابه موجودی خلاق، واقعیت به‌عنوان موجودیتی سیال و در حال شدن، و هدف علم تحت عنوان تفهم، بدیهی است که روش‌شناسان کیفی اولاً اصراری به تعمیم یافته‌های خود نداشته و یا در بهترین حالت نوع خاصی از تعمیم را صورت دهند. روش‌شناسان کیفی بیشتر بر راهبرد آنچه که شاخص قابلیت اعتماد می‌خوانند تاکید دارند که کلیه مراحل تحقیق از گردآوری داده‌ها تا تحلیل و تفسیر آن‌را در بر می‌گیرد.

همان‌طور که مقاله نشان می‌دهد روش‌شناسان کیفی، کیفیت استنباط را با معیارهای متفاوتی مطرح کرده و شیوه‌ها و حتی واژگان متنوع و متعددی برای آن در نظر گرفته‌اند و از همه مهمتر به نظر می‌رسد که چنین معیارهایی در حال افزایش کارایی هستند. وجود معیارها و راهبردهای متفاوت و متنوع استنباط کیفی، بیانگر این مطلب است که روش‌شناسان کیفی نسبت به ارزیابی و ارتقاء گزارشات کیفی نه تنها در زمینه برون‌داد تحقیق، بلکه حتی در حین گردآوری و تحلیل داده‌ها، هم حساسیت بسیار زیادی دارند. بعلاوه این بررسی نشان می‌دهد که معیارهای ارزیابی استنباط در تحقیق کیفی همواره در حال بهبود و پیشرفت بوده‌اند، همان‌طور که جایگزینی معیارها و مفاهیم در خلال دوره زمانی نسبتاً کوتاه پیدایش این روش‌شناسی، این پیشرفت را نشان داده است.

از این‌رو، این مقاله تلاش کرده است تا با رویکردی نسبتاً جامع و در حین حال تطبیقی به بررسی انواع راهبردها و معیارهای ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی پردازد، اما

بحث در مورد این راهبردها و معیارها به همان اندازه بحث از طیف وسیع روش‌های تحقیق کیفی دشوار، متنوع و چالش‌برانگیز است. زیرا هر یک از روش‌شناسان کیفی بر معیارهای خاصی متمرکز شده‌اند، و برخی دیگر حتی به طور مفصل‌تر، هر یک از این معیارها را برای روش یا روش‌های تحقیق کیفی خاصی و دارای داده‌های خاص پیشنهاد می‌دهند. بر همین اساس، محققان نه تنها باید در انتخاب هر کدام از این معیارهای کیفی ارزیابی حساس باشند، بلکه لازم است به تناسب نوع روش مورد استفاده، نوع داده‌های گردآوری شده، و بطور کلی طرح عمومی تحقیق خود، از آنها استفاده نمایند.

منابع

- Arminio, J. L., and F. H. Hultgren (۲۰۰۲), Breaking Out from the Shadow: The Question of Criteria in Qualitative Research *Journal of College Student Development*, ۴۳, ۴۴۶-۴۵۶.
- Belcher, J. (۱۹۹۱), Understanding the Process of Social Drift among the Homeless: A Qualitative Analysis ,In E. Sherman and W. J. Reid (Eds.), *Qualitative Research in Social Work*, New York: Columbia University Press.
- Bryman, A. (۱۹۸۸), *Quantity and Quality in Social Research*, London: Unwin Hyman.
- Bryman, A. (۲۰۰۴), *Social Research Methods*, Second edition, Oxford: Oxford University Press.
- Burns, N. and S. K. Grove. (۲۰۰۵), *The Practice of Nursing Research: Conduct, Critique, & Utilization*, Fifth Edition: Saunders Press. Pp: ۳۸۳-۳۸۴.

- Campbell, D. T., and D. W. Fiske (۱۹۵۹). Convergent and Discriminate validation by the Multitrait-Multimethod Matrix, *Psychological Bulletin*, ۵۶, ۸۱-۱۰۵
- Creswell, J. W. (۱۹۹۸). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five traditions*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W. (۲۰۰۳). *Research Design: Quantitative, Qualitative, and Mixed Methods*, London: Sage Publication.
- Cronbach, L. and et al (۱۹۷۵), Beyond the Two Disciplines of Scientific Psychology *American Psychologist*, ۳۰:۱۱۶-۱۲۷.
- Cronbach, L. and et al, (۱۹۸۰), *Toward Reform of Program evaluation*, San Francisco: Jossey-Bass.
- Cronbach, L. (۱۹۸۲). *Designing Evaluations of Educational and Social Programs*, San Francisco: Jossey-Bass.
- Depoy, E. and L. Gitlin (۲۰۰۵), Introduction to Research: *Understanding and Applying Multiple Strategies*, Third Edition, Mosby Press.
- Denzin, Norman and Yvonna, S. Lincoln, (۱۹۹۴), *The Sage Handbook of Qualitative Research*, Second Edition, London: Sage Publication Ltd.
- Denzin, Norman and Yvonna S. Lincoln, (۲۰۰۵). *The Sage Handbook of Qualitative Research*, Third Edition, London: Sage Publications Ltd.

- Denzin, Norman, (۱۹۸۹), ***The Research Act: A Theoretical Introduction to Sociological Methods***, Third Editions, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall. P: ۳۴۷.
- Denzin, Norman and Yvonna Lincoln. (۲۰۰۵). ***The Sage Handbook of Qualitative Research***, London: Sage Publications Ltd.
- Eisner, E. W. (۱۹۷۵), *The Perceptive Eye: Toward the Reformulation of Educational Evaluation* , In Occasional Papers of the Stanford Evaluation Consortium (Mimeo), Stanford, CA: Stanford University.
- Eisner, E. W. (۱۹۹۸), ***The Enlightened Eye: Qualitative Inquiry and the Enhancement of Educational Practice***, Upper Saddle River, NJ: Merrill.
- Erlandson, David (۱۹۹۳), ***Doing Naturalistic Inquiry***. London: Sage Publications.
- Fielding, Nigel and Jane Fielding, (۱۹۸۶), ***Linking Data***, London: Sage Publications Ltd. P: ۴۳.
- Gabriium Jaber, and Holestein, James.(۱۹۹۷), ***The New Language of Qualitative Research***, London: Sage Publications Ltd.
- Glesne, Corrine. (۲۰۰۶). ***Becoming Qualitative Researchers: An Introduction*** (۳rd Ed.). Boston: Pearson.
- Guba, E. G., and Y. S. Lincoln (۱۹۸۲). Epistemological and Methodological Bases of Naturalistic Inquiry, ***Educational Communication and Technology Journal*** ۳۰ (۴), ۲۳۳-۲۵۲.

- Guba, E. G., and Y. S. Lincoln (۱۹۸۹). *Fourth generation evaluation*, Newbury Park, CA: Sage.
- Guba, E. G. and Y. S. Lincoln (۲۰۰۵). Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences ,In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of Qualitative Research*. Third Edition, Thousand Oaks, CA: Sage. P: ۱۹۴
- Guba, E. G. (۱۹۷۸), *Toward a Methodology of Naturalist Inquiry in Educational Evaluation*, CSE Monograph series in *evaluation*. No. ۸, Los Angeles: Center for the Study of *Evaluation*
- Hammersley, M. (۱۹۹۲), *what's Wrong With Ethnography?* London: Rutledge. Pp: ۵۷, ۶۷.
- Holliday, A. (۲۰۰۲), *Doing and Writing Qualitative Research*, London: Sage Publications. P: ۸.
- Johnson, R. B., and L. B. Christensen (۲۰۰۸), *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*, (۳rd Ed.). Thousand Oaks, CA: Sage. Pp: ۲۷۵, ۲۸۲.
- Kaplan, A. (۱۹۶۴), *The Conduct of Inquiry: Methodology for Behavioral Sciences*, San Francisco: Chandler. P: ۹۱.
- Kimchi J, B. Polivka, and J. S. Stevenson (۱۹۹۱), Triangulation: Operational Definitions ,In, *Nursing Research*; ۴۰: ۳۶۴-۳۶۶.

- Kirk, J, and M. L. Miller (۱۹۸۶), *Reliability and Validity in Qualitative Research*, London: Sage.
- Krathwohl, D. R. (۲۰۰۴), *Methods of Educational and Social Science Research: An Integrated Approach*, Second Edition, Long Grove, IL: Waveland Press. Pp: ۲۷۱-۲۸۰.
- Kvale, Steinar and Svend Brinkmann, (۲۰۰۹), *InterViews: Learning the Craft of Qualitative Research Interviewing*, Second Editions, Sage Publications.
- *Lather*, P. (۱۹۹۳), 'Fertile *Obsession*: Validity after Poststructuralism In, *The Sociological Quarterly*, ۳۴(۴): ۶۷۳-۶۹۳.
- Lee, R. M. (۲۰۰۰). *Unobtrusive methods in social research*, Buckingham, UK: Open University Press.
- Lincoln, Y. S., and E. G. Guba, (۱۹۸۵). *Naturalistic inquiry*, Thousand Oaks, CA: Sage. P: ۱۲۴.
- *Marshall*, C, and *Rossmann*, G. B. (۱۹۹۹), *Designing Qualitative Research*, Newbury Park, CA. Sage Publications Inc.
- Maxwell, J. (۱۹۹۷). *Designing a Qualitative Study* , In L. Bickman & D. J. Rog (Eds.), *Handbook of applied social research methods* (pp. ۶۹° ۱۰۰). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Maxwell, J. (۲۰۰۴), *Qualitative Research Design: An Interactive Approache*, Second Edition, London: Sage Publications.

- Meloy, J, M. (۱۹۹۴), *Writing the Qualitative Dissertation: Understanding by Doing*, Hillsdale, NJ:Lawrence Erlbaum.
- Mills, M. B. and M. Huberman (۱۹۹۴), *Qualitative Data Analysis: Sourcebook of New Methods*, London: Sage Publications Ltd.
- Mitchell, Richard, (۱۹۹۳), *Scarcy and Fieldwork*, London: Sage Publications Ltd.
- Neuman, L. (۲۰۰۶). *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, Third Edition. London: Allyn and Bacon. Pp: ۴۰۴-۴۰۵.
- Neuman,. (۲۰۰۷), *Basics of Social Research: Qualitative and Quantitative Approaches*, Second Edition, Allyn & Bacon.
- Patton, M. (۲۰۰۱). *Qualitative Research & Evaluation Methods*, London: Sage Publication. Pp: ۵۵۵, ۵۸۴.
- Ritchie, Jane and Jane. Lewis, (۲۰۰۵),*Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers*, London: Sage Publications Ltd. P: ۲۶۷.
- Royse, David, (۲۰۰۴), *Research Methods in Social Work*, Fourth Edition, Thomson- Brooks/Cole Press.
- Seale, C.(۱۹۹۹), *The Quality of Qualitative Research*, Oxford, Blackwell.
- Shank, G. (۲۰۰۶), *Qualitative Research: A Personal Skills Approach*, Pearson, Merril Prentice- Hall. P: ۱۱۳.

- Silverman, D. (۲۰۰۵). *Doing Qualitative Research*, London: Sage Publication. P: ۵۱۲.
- Singelton, R. and et al., (۲۰۰۵), *Approaches to Social Research*, London: Sage Publication.
- Study Method in Social Inquiry , *Educational Researcher* ۷:۵-۸.
- Stake, R. (۱۹۹۵), *The Art of Case Study Research*, London: Sage. P:۶.
- Stake, R. (۲۰۰۰), Case Studies Pp ۴۳۵-۵۴, in *Handbook of Qualitative Research*, ۲nd Edition, edited by Norman Denzin and Yvonna Lincoln, London: Sage.
- Tashakkori, A., and C. Teddlie (۱۹۹۸), *Mixed Methodology: Combining the Qualitative and Quantitative Approaches*, Thousand Oaks, CA: Sage. P: ۶۹.
- Teddlie, C. and A. Tashakkori (۲۰۰۹), *Foundations of Mixed Method Research: Integrating Quantitative and Qualitative Techniques in the Social and Behavioral Sciences*, First Edition, London: Sage Publications. P: ۸۶, ۲۹۴.
- Wolcott, Harry, (۲۰۰۵), *The Art of Fieldwork*, Second Edition, AltaMira Press.
- Yin, R. K. (۲۰۰۳), *Case Study Research: Design and Methods* (۳rd Ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی